

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به مردم ایران و بشریت مترقی در حمایت از زندانیان سیاسی

رژیم استبدادی و ضد خلقی که بر میهن ما حکمروایی می کند، برای ادامه حیات منحوس خود زندانها را انباشته از بهترین فرزندان خلق کرده است. هزاران میهن دوست و انقلابی که با فداکاری و از جان گذشتگی بسیار در صف مقدم نبرد علیه رژیم ضد خلقی شاه قرار داشتند و در پیروزی انقلاب شکوهمند بهمین ۵۷ نقش پزیرگی ایفا کردند، یا به چوخی های اعدام سپرده شده اند، یا زیر شکنجه های روحی و جسمی جان باخته اند. دهها هزار نفر از بهترین فرزندان انقلابی خلق از جمله از بین اعضاء حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و مجاهدین خلق ایران و دیگر نیروهای مترقی

و انقلابی در سیاهال های رژیم استبداد قرون وسطایی "ولایت فقیه" زیر چانکاه ترین شرایط تغریز و شکنجه های مداوم در سرحد مرگ و زندگی بسر می برند و یا ناکزیر از چلای وطن شده اند. شکار گسترده انسان های دگر اندیش در جمهوری اسلامی به شدت ادامه دارد. محصول این اعمال ضد خلقی و چنایتکارانه حکومت جمهوری اسلامی، هزاران کودک یتیم و بی سرپرست و مادران و پدران داغ دیده و زنان بیوه است. دژ خیمان جمهوری اسلامی برای پیشبرد هدفهای خود نه به نوباوگان و نه به سالخوردهگان و در یک کلام به هیچ کس رحم نمی کنند. در زندانهای ایران زنان جوان با بقیه در ص ۲



شماره ۱۰۹ دوره هشتم
سال سوم - ۱۲ تیرماه ۱۳۶۵
بها ۲۰ ریال

سیاوش کسرابی

در برون رفت از شب یلدا...

دیدم در صبح رخ دوست زهم واکردیم
چهره در آینه یار تماشا کردیم.

بزمی آراسته کردیم ز رزم آرایان
و ندر آن حلقه پسد غلغله شوغا کردیم.

ننشستیم و گرفتیم پکف دامن دوست
آنکه از دوست همه دوست تمنا کردیم.

سر و آزاد که از باد خزان خم شده بود
با بهار نفسش بر شده بالا کردیم.

بس نهادیم من خویش چو دل در بر هم
خانه عشق پنا ز آب و گل ما کردیم.

بوسه دادیم و گرفتیم پس پرده اشک
ز راندیشه کلید در دلها کردیم.

سوک سهراب کشیدیم ز شهنامه برون
چون بداروی خورد درد مداوا کردیم.

تن رهانیده زهر بند بشکرانه وصل
همه ای آزادی نام تو آوا کردیم.

می شکفیم زشادی به هر ای غنچه باغ
آنچه می خواست دل تنگ تو آنجا کردیم.

سرنگون تا شود آن در که پیداد آئین
ما سرا پرده ای از داد مهیا کردیم.

روزها در گره زلف تو ما را طی شد
تا برون رفت خوشی زین شب یلدا کردیم.

خرداد ۱۳۶۵

همبستگی جهانی با مردم و زندانیان سیاسی ایران
در ص ۲

پیرامون برنامه نوبین حزب توده ایران (۱)

انقلاب ملی و دموکراتیک، سرشت آن، نیروهای محرکه و اشکال و شیوه های مبارزه

در ص ۴

قطعه نامه کنفرانس ملی حزب توده ایران در باره

همبستگی احزاب

کمونیستی و کارگری با حزب ما

بیش از سه سال از یورش خائنانه جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، حزب طراز نوبین طبقه کارگر ایران می گذرد. در این مدت یکی از عوامل پراهمیتی که به حزب ما در شرایط سخت مبارزه بخاطر غلبه بردشوری های زائیده یورش یاری رساند و به توده ای ها انگیزه و امید بخشید و برحقانیت پیکار ما در راه استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و صلح و سوسیالیسم مهر اصولیت انقلابی زد، همانا پشتیبانی و همبستگی بی دریغ و بدون چشمداشت احزاب کمونیستی و کارگری، سازمان های انقلابی و آزادیخواه و بشریت مترقی در سراسر جهان بود.

دفاع پرشور و آتشین و در عین حال کم نظیر احزاب برادر و در پیشاپیش آنها حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب کبیر لنین، از حزب توده ای ما نشانگر چایگاه شایسته آن در عرصه ملی و بین المللی است. کارزار همبستگی و پشتیبانی احزاب برادر بدون علت و زمینه تاریخی نبوده و نیست. در واقع این کارزار، کارزار دفاع از خصلت پرولتری حزب ما و پاسداری از سنن والا و نپیحانه برادری و هم پیوندی زحمتکش جهان بوده و هست.

احزاب برادر نیک آگاهند که حزب ما، در تاریخ بیش از چهار دهه کار و پیکار افتخار آمیزش، با اثبات وفاداری چنانچه از خود به مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم، پرولتری، همواره درفش خونگام دفاع از منافع بقیه در ص ۲

بن بست جنگ و تدارک گشتار میلیونی

زوی داده های مفتی های اخیر چپه های جنگ ایران و عراق یکبار دیگر صحت نظر حزب توده ایران را مبنی بر آنکه این جنگ بیپوده راه حل نظامی ندارد تایید می کند. پس از عملیات والفجر "۸" و "۹" و اشغال شهرک بندری "فاو" و برخی مناطق کوهستانی شرق عراق از سوی نیروهای جمهوری اسلامی، سران رژیم دست به کارزار تبلیغاتی گسترده ای زدند تا این واقعیت را دیگر گرونه چلوه دهند. آنان طی چندماه گذشته هزاران تن دیگر را در قتلگاه "فاو" قربانی کرده اند تا تصویری از امکان پیروزی نظامی، هر چند محدود بدست دهند.

اما پیشروی متقابل ارتش عراق در هفته های اخیر پوچی این تبلیغات را بار دیگر آشکار کرده است. شهر مرزی مهرا ن دوپاره به تصرف نیروهای عراق در آمده است و بمباران های هوایی بار دیگر مردم بی گناه و بی دفاع شهرها و روستاهای میهن ما و مناطق حساس اقتصادی و نظامی را آماج قرار داده است. این رویدادها واقعیت بن بست نظامی جنگ را علی رغم رجز خنوانی های سران کشوری و لشکری ج.ا.عریان تر از پیش به نمایش گذارده است.

واکنش زمامداران ج.ا.ع در برابر این شکست چندپاره، طرح چنایتکارانه بسیج سراسری مردم و گسیل آنان با "اسلحه سبک و نیمه سنگین" به چپه هاست. مرتضی رضایی فرمانده سپاه پاسداران طی یک کنفرانس مطبوعاتی جوانب مختلف این طرح را تشریح کرده است (اطلاعات - ۱۱ خرداد ۶۵).

این طرح البته طرح تازه و بلا مقدمه ای نیست. در سال های اخیر سران ج.ا.ع بارها و بارها به التماس یا تهدید یا تکلیف مذهبی خواستار بسیج و "مجوم مردم به چپه ها" شده اند. پاسخ مردم بقیه در ص ۲

خاطره شهیدان را زنده نگه داریم

- * سوم خرداد: سه تن از رهبران فدائیان خلق: رفقا اسکندر صادقی نژاد، امیر پرویز پیویان و رحمت پیرو نذیری در نبرد مسلحانه با مزدوران شاه - ساواک به شهادت رسیدند (۱۳۵۰).
 - * چهارم خرداد: مجاهدین خلق: حنیف نژاد، سعید محسن، بدیع زادگان، عسگری زاده و مشکین فام به دست دژخیمان شاه شهید شدند.
 - * ۱۷ خرداد: رفیق توده ای عادل رام زیر شکنجه به شهادت رسید (۱۳۶۲).
 - * ۲۵ خرداد: رفیق پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران زیر شکنجه های وحشیانه مزدوران شاه - ساواک شهید شد (۱۳۵۳).
 - * ۲۵ خرداد: رفیق علی علوی عضو هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران تیرباران شد (۱۳۳۸).
 - * ۲۱ خرداد: شهادت شاعر انقلابی، سعید سلطانپور (۱۳۶۰).
 - * ۷ تیر: شهادت قهرمانانه رفیق مهارز توده ای هوشنگ تیزابی در زیر شکنجه (۱۳۵۳).
 - * ۸ تیر: شهادت یازده تن از فدائیان خلق: رفقا حمید اشرف، یوسف قانع خشکه بیجاری، محمدرضا پیرنی، غلامعلی خراط پور، عسکر حسینی ابرده، محمد مهدی فرقانی، فاطمه حسینی، طاهره خرم، علی اکبر وزیری، محمد حسین حق نواز و غلامرضا لایق مهربانی که در مقابله مسلحانه با مزدوران رژیم شاه به خاک و خون در غلته شدند.
- یاسد شهیدان حزب و جنبش انقلابی میهنمان را گرامی می‌داریم!

همبستگی احزاب کمونیستی و ...

کارگران و زحمتکشان را در کشور ما پرافرشته نگاهداشته است و هرکس های زرینی در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری ایران و جهان با نام حزب توده ایران ورق می‌خورد.

کنفرانس ملی، به نمایندگی از سوی همه اعضا و هواداران حزب توده ایران مراتب قدرشناسی و سپاسگزاری خود را از همبستگی و حمایت احزاب کمونیستی و کارگری، سازمان ها و شخصیت های انقلابی و آزادیخواه و پشتیبان مرفی اعلام می‌دارد و خاطر نشان می‌سازد که حزب ما امروز نیز برای ادامه پیکار، پیروزه خود را بی نیاز از یاری و پشتیبانی همه جانبه شما نمی‌بیند. خلق های ایران و حزب توده ای ما در راه جامعه عمل پوشاندن به خواست های توده های ده ها میلیونی زحمتکشان ایران در زمینه های گوناگون، از جمله افشای سیمای ضد مردمی حکام مرتجع جمهوری اسلامی، پایان بخشیدن به جنگ امپریالیسم برافروخته ایران و عراق، آزادی زندانیان سیاسی، درهم شکستن جواختناق و آزادی کثی و سرنگونی رژیم " ولایت فقیه "، در آینده هم به همبستگی فعال شما احتیاج دارد. تاریخ و تجربه خونبار خلق ها نمایانگر آن است، آنجا که بانگ اعتراض و نیروی پرتوان همبستگی بین المللی با مبارزه خلق و نیروهای انقلابی هر کشوری پیوند می‌یابد، آزادی به ثمر می‌رسد، در سیاه چال ها کشوده می‌شود، تیغ دژخیمان کند و کندتر و سلاح رزمندگان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی برنده و برنده تر می‌گردد.

پرتوان باد همبستگی بین المللی احزاب کمونیستی و کارگری با حزب توده ایران!

فروزان باد شعله دفاع بشریت آزادی خواه و مرفی از خلق ایران!

نقشه های پلیدشان عجله ویژه ای نیز نشان می‌دهند. خمینی امسال را باز دیگر سال تعیین تکلیف جنگ نامیده است. و رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس مجلس ... نیز تاکید کرده اند که حمله نهایی امسال انجام خواهد گرفت. فاصهان حکومت مردم به غریزه دریافته اند که گذشت زمان به ضرر آنهاست. تشدید نارضایی و مخالفت فعال مردم، گسترش جنبش ضد جنگ، کاهش کمرشکن بهای نفت و صادرات آن و در پیامد همه این عوامل تشدید پیش از پیش بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر میهن ما، سران چ.ا. را چنان در تنگنا قرار داده است که دست زدن به هرگونه اقدام چون آمیزی از آنان بعید نیست. تنها تلاش متحد و یکپارچه نیروهای انقلابی پیشرو در راه شعله و گردن جنبش ضد جنگ می‌تواند سدی در راه تحقق اهداف تبهکارانه جنگ افروزان برچود آورد.

بن بست جنگ و ...

مخالفت و مقاومت در برابر سیاست چون آمیز " جنگ ، جنگ ، جنگ تایپروزی " بوده است. تا آنجا که به اعتراف فرمانده سپاه پاسداران آنان تنها توانسته اند ۲ درصد از نیروهای قادر به فعالیت را در جبهه ها به کار بگیرند. تفاوت اصلی طرح کنونی با تلاش های پیشین خصلت اجباری آن است. ماه گذشته طرح آموزش نظامی اجباری کارمندان و کارگران بخش دولتی به تصویب رسید و چند " لشکر " از متخصصین شاغل در بخش دولتی عازم جبهه ها شدند. مجازات هایی که برای مشمولین گریزان از خدمت نظام و نظامیان فراری از جبهه ها در نظر گرفته شده است، سنگین تر شده است. شکار مشمولین در شهرها و روستاها ایجاد هرچه وسیعتری بخود گرفته است. در حالی که تعداد، استغفاها در سپاه پاسداران هر روز افزایش می‌یابد، فرماندهی سپاه با اعمال انواع مجازات های اقتصادی و تنبیه های " انضباطی " در عمل مانع کناره گیری ناراضیان می‌شود. با توسل به این شیوه ها و تشدید آن ها، ظاهرا سردمداران چ.ا. قصد دارند " در سراسر مرز یک نیروی چند میلیونی را وارد جنگ " کنند، آن هم جنگی که مدت ها است به صورت " نقر " با تانک و هواپیما در آمده است.

" ما در این جنگ ... احتیاج به هواپیماهای مدرن و تانک های پیشرفته نداریم. ما اگر بتوانیم جمعیتی ۴ برابر نیروهای عراقی با وسایل سبک و نیمه سنگین بکارگیریم ... پراحتی می‌توانیم بر دشمنان غلته پیدا کنیم و موفق شویم " (مرتضی رضایی - همانجا).

طرح جناب فرمانده بر اساس محاسبات نظامی استوار است. در جنگ های کلاسیک، به فرض آن که طرفین از نظر اسلحه و مهمات در شرایط برابر قرار داشته باشند، حمله سه برابر دفاع تلفات بهاری می‌آورد. اگر چ.ا. در برابر هر سرباز عراقی چهار سرباز وارد جنگ کند، در هر درگیری سه سرباز ایرانی و همراه با مدافع عراقی از پای در می‌آیند و سرباز چهارم چ.ا. موفق خواهد شد. " انقلاب اسلامی " را به عراق صادر کند! از آنجا که عراق هنوز می‌تواند در حدود یک میلیون نفر وارد جنگ کند، چ.ا. نیاز به چهار میلیون سرباز دارد، و پیروزی نظامی در جنگ با عراق مستلزم از پای در آمدن سه میلیون ایرانی و یک میلیون عراقی دیگر است!

البته این نتیجه گیری اغراق آمیز است. نه سران چ.ا. با هیچ اجبار و ارعاب و تکلیفی قادرند چنین نیرویی بسیج کنند و نه مردم ما اجازه خواهند داد که میلیونها تن دیگر از آنان را در جنگی توسعه طلبانه، تجاوزکارانه و به همان میزان بوج و بیهوده گوشت دم توپ کنند. اما توجه به محاسباتی که پایه نظامی این طرح را ساخته اند، خصلت سفیهانه و در عین حال جنایتکارانه طرح " بسیج " کنونی سران چ.ا. را نیز آشکار می‌کند.

طراحان این برنامه نظامی، شاید برای آن که نشان بدهند که در تصمیم خود جدی هستند و در اساس هیچگونه مانعی برای اعزام همه مردان قادر به جنگی به جبهه ها وجود ندارد، جای ویژه ای هم برای زنان در طرح در نظر گرفته اند:

بعثت اعزام مردان به جبهه ها " اداره کشور به خواهران عزیز سپرده می‌شود. از جمله در کارخانجات، مدارس و ... خواهران به یک شکل فعالی حضور پیدا می‌کنند " (همانجا).

ظاهرا در چ.ا. تنها به شرط اعزام مردان به قتلگاه امکانی برای حضور فعال زنان در زندگی اجتماعی فراهم می‌شود.

جنگ ایران و عراق، همواره مانند اهرمی نیرومند در خدمت انباشت سرمایه و افزایش قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی سرمایه داری در چ.ا. عمل کرده است. در این مرحله نیز سرمایه داران از نعمات جنگ بی‌بسیب نخواهند ماند:

" با ۵۰۰ کارخانه تراشکاری قرارداد بسته ایم، ماهی ۴۵۰ هزار عدد خمپاره بسازند که سالی ۴۵۰ میلیون عدد خواهد شد ... حالا اگر تمام صنایع کشور شروع به تولید مهمات کنند، دیگر با کمبود مهمات روبرو نخواهیم بود " (همانجا).

این سخن به این معناست که میلیارد ها تومان سودها آورده دیگر در انتظار سرمایه داران مورد اعتماد رژیم است.

سردمداران چ.ا. خواب هولناکی برای مردم ما دیده اند. آنان در تحقق

به مردم ایران و * * *

کودکانه که در اسارتگاههای دوزخی رژیم چشم به جهان گشوده اند، در کنار سالخوردگان مفتاد و هشتادساله بیمار و علیل به زنجیر کشیده شده اند. یگانه گناه این آزاد زنان و مردان آن است که خواهان آزادی و استقلال کشورند و سراسر زندگی شرافتمندانه خود را وقف رهایی زحمتکشان از فقر و فلاکت و مسکنت کرده اند. آنها در راه آزادی انسان و علیه دیکتاتوری مبارزه کرده اند و اینک در چنگال رژیم دیکتاتوری تحمیل شده به خلقهای ما اسیرند.

زندانهایی که در نتیجه پیکار قهرمانانه خلق پیاخته ما از زندانی سیاسی خالی شده بودند، اینک دوباره آکنده از زبده مبارزان راه آزادی و استقلال ایران گردیده اند.

باید امروز نیز مانند دیروز شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد!" با بانگی رسا در سراسر میهن بخون تبیده ما طنین انداز شود. باید با بسیج توده های میلیونی خلق به حمایت از خانواده زندانیان سیاسی کشور برخاست. دهها هزاران کودک خواهان آزادی مادران و پدران خود هستند. مادران و پدران رهایی چنگرگوشگان خود را از سیاهچالهای رژیم طلب می کنند. زنان در راه نجات همسران و نان آوران خانواده خود می رزمند. آنها به هر کجا که می روند و به هر مقامی که مراجعه می کنند با سر نیزه نهادهای سرکوبگر روبرو می شوند.

مردم ایران!

جان اسیران خلق، جان هزاران زن و مرد هم میهن شما تنها به چرم داشتن عقاید سیاسی متفاوت با عقیده سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی، یعنی خائنان به آماجهای مردمی و ضدامپریالیستی انقلاب هم، در خطر است. برای نجات محکومین به مرگ تدریجی صدای اعتراض خود را بلند کنید و نگذارید که دژخیمان کمر بسته ارتجاع به تبهکاری های پشت پرده خود ادامه دهند. مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه در راه آزادی و دموکراسی است که همه ما به آن نیاز داریم و سالیان طولانی در راه آن پیکار کرده ایم. باید دستهای خوریز جلدان جمهوری اسلامی را قطع کرد.

وحدت و یگانگی شما یگانه ضامن پیروزی در عرصه مبارزه بخاطر آزادی است. بپایید دست به دست هم دهیم و در صف واحدی شعار آزادی زندانیان سیاسی را به حره ای علیه پیدادگریهای رژیم فلاکت بار جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. نیروی خلق لایزال است. خلق قهرمان ما عظمت و قدرت این نیروی لایزال را در انقلاب شکوهمند بهمین ۵۷ به جهانیان نشان داد. ما می توانیم و باید از قدرت خلق برای بازکردن در زندانها به روی زندانیان سیاسی بهره بگیریم.

پیروزی در راه آزادی زندانیان سیاسی گامی است موثر برای نقطه پایان گذاردن پرستی رژیم که ایران را به زندان ایرانیان مبدل کرده است. این یکی از تجربه های فراموش نشدنی انقلاب بهمین ۵۷ است.

کنفرانس ملی حزب توده ایران از همه احزاب و سازمانها و شخصیتهای انقلابی، مترقی، آزادیخواه و انسان دوست در سراسر جهان می خواهد تا در کارزار مبارزه بخاطر نجات جان هزاران انسان در بند در سیاهچالهای جمهوری اسلامی به ما یاری رسانند. این خواست پدران و مادران و زنان رنج دیده و کودکان معصومی است که عزیزانشان در زندانهای رژیم با مرگ دست پگریه اند.

ما از همه احزاب و شخصیتهای آزادیخواه و مترقی ایران و جهان می طلبیم تا از سران جمهوری اسلامی ایران بخواهند درهای زندانها را به روی محافل و شخصیت های بین المللی بکشایند. اگر در زندانها گشوده شود، جهانیان از فجایع خونباری که هر روز در درون این فراموشخانه ها می گذرد با خبر می شوند.

مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی ایران وظیفه مقدس همه انسان های آزادیخواه و مترقی در سراسر جهان است.

همبستگی جهانی بامردم وزندانان سیاسی ایران

تظاهرات در رم

در تظاهراتی که از جانب نیروهای مترقی و سندیکاهای کارگری "جی. سی. ال" در رم علیه تجاوز نظامی آمریکا به لیبی برگزار شد، اعضا و هواداران حزب توده ایران در رم نیز شرکت کردند. در پلا-



صحنه ای از شرکت هواداران حزب توده ایران در ایتالیا - در تظاهرات رم

کار بزرگی که از جانب رفقای حزبی تهیه شده بود، این شعار دیده می شد.

- مسداخسله نظامی آمریکا در خلیج "سیدرا" نه

- جنگ ایران و عراق، نه

- همبستگی بین المللی علیه امپریالیسم آمریکا و برای صلح، آری

نحوه شرکت رفقای توده ای در تظاهرات یاد شده مورد استقبال تظاهرکنندگان واقع شد و در روزنامه "اونیتا" ارگان مرکزی حزب کمونیست ایتالیا انعکاس یافت.

همچنین در راهیمیایی برای صلح علیه آپارتاید که در رم برگزار شد رفقای توده ای ما شرکت داشتند و ضمن اعتراض به سیاست تبعیض نژادی رژیم افریقای جنوبی و پشتیبانی از جنبش جهانی صلح، از جمله برافشای سیاست جنگ طلبانه رژیم ج.ا. برداشتند. پلاکاردهای رفقای حزبی در رم حاوی شعار زیر بود:

- سرکوب وحشیانه در آفریقای جنوبی نمی تواند سد راه مردم برای مبارزه در راه آزادی و دموکراسی باشد.

درسی و پنجمین کنگره اتحادیه جوانان کمونیست (سوئد)

سی و پنجمین کنگره اتحادیه جوانان کمونیست سوئد در استکهلم برگزار شد. در این کنگره هیئت های نمایندگی جوانان سوسیالیست و کمونیست بیش از ۲۰ کشور مختلف از جمله سازمان جوانان توده ایران شرکت داشتند.

این کنگره زیر شعار "ما امروز بر آینده پیروز می شویم" و با سخنرانی استلان هرمانسون، دبیر اول اتحادیه جوانان کمونیست سوئد، بطور رسمی کار خود را آغاز کرد. هرمانسون ضمن اشاره به اهمیت تجزیه و تحلیل صحیح، استفاده از شیوه های اثر بخشی تبلیغی و همچنین کار سازمان یافته توده ای، بر ضرورت مبارزه با سازمان های فاشیستی و همچنین مبارزه با نژادپرستی تاکید کرد.

سی و پنجمین کنگره اتحادیه جوانان کمونیست سوئد با صدور قطعنامه - ای خواهان پایان بخشیدن به جنگ خانمان برانداز ایران و عراق و تحقق خواست های خلق کرد گردید. در این قطعنامه بر ضرورت مبارزه با بقیه در ص ۷

پیرامون برنامه نوین حزب توده ایران (۱)

انقلاب ملی و دموکراتیک، سرشت آن، نیروهای محرکه و اشکال و شیوه‌های مبارزه

خصلت دوران ما، یعنی گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، جدائی‌ناپذیر است. از این نقطه نظر انقلاب‌های ملی و دموکراتیک با جنبش‌های رهائی بخش ملی قبل از انقلاب اکتر، فرق دارند.

در شرایط تاریخی کنونی، فراروئی تدریجی انقلاب ملی و دموکراتیک به انقلاب اجتماعی که با ویژگی عمده دوران ما پیوند دارد، دارای اهمیت تاریخی - جهانی است. هم اکنون ما شاهد آنیم که بخش قابل توجهی از پشربت به تدریج از مدار نظام سرمایه‌داری جدا شده و به سوسیالیسم روی می‌آورد.

و ای. لنین ضمن بررسی همه جانبه امپریالیسم و وضع جنبش انقلابی در کشورهای مختلف به این نتیجه رسید که "ناموزونی رشد اقتصادی و سیاسی مسلماً قانون سرمایه‌داری است" مجموعه آثار، جلد ۲۶، ص ۲۵۴. گذار خلقها از سرمایه‌داری به سوسیالیسم نیز از این تئوری لنینی سرچشمه می‌گیرد.

افزون بر این نباید تناسب نوین نیروها میان دو سیستم اجتماعی - سرمایه‌داری و سوسیالیسم - را که تاثیر زیاد و انکارناپذیری در روند و تداوم انقلاب‌های ملی و دموکراتیک دارد، از نظر دور داشت. انقلاب‌های دوران ما در کشورهای رشد یابنده، خواه ناخواه تحت تاثیر مسابقه دو سیستم اجتماعی - جهانی و مبارزه ایدئولوژیک میان آنها قرار دارند. ژرفای انقلاب ملی و دموکراتیک، مراحل و آرایش نیروهای محرکه آن، با روند انقلاب جهانی پیوند ناگسستنی دارد.

خصلت انقلاب ملی و دموکراتیک معاصر از آن لحاظ با انقلاب‌های رهائی بخش ملی قبل از انقلاب اکتر فرق دارد که اکنون سیستم جهانی سوسیالیسم با قدرت اقتصادی و نظامی پیچیده آمده است. قدرت اقتصادی و نظامی سیستم جهانی سوسیالیسم و بر راس آن اتحاد شوروی، همراه با سیاست خارجی انترناسیونالیستی آن، چشم انداز نوینی برای کشورهای رشد یابنده بوجود آورده است.

برای کشورهای آزاد شده از اسارت استعماری تا پیش از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر انتخاب فقط یک راه رشد - راه رشد سرمایه‌داری - امکان پذیر بود. امروز در پرتو وجود سیستم جهانی سوسیالیسم، اینگونه کشورها مجبور به ادامه راه رشد سرمایه‌داری نیستند. در حال حاضر خلقهای کشورهای در حال رشد می‌توانند طی روندی یکی از نظامهای اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری یا سوسیالیسم را انتخاب کنند. اگر راه نخست، به معنای ادامه مناسبات سرمایه‌داری با پی آمدهای مخرب آن است، راه دوم به معنای از بین بردن مناسبات اجتماعی کهنه و ایجاد ساختار اجتماعی از لحاظ کیفی نوین و به سود زحمتکشان است.

مسئله پس مهم و حیاتی راه رشد اجتماعی - اقتصادی، در جریان آماج‌های انقلاب ملی و دموکراتیک و تعمیق مضمون اجتماعی آن، در دستور روز قرار می‌گیرد. یکی از ویژگیهای دوران ما آنست که انقلاب ملی و دموکراتیک پس از گذار از مراحل گوناگون، در صورت تامین رهبری طبقه کارگر، به سوسیالیسم فرا می‌رود.

در کشور ما، نخستین وظیفه انقلاب، استقرار حکومت انقلابی ملی و دموکراتیک است که باید مسائل عام دموکراتیک را در وهله نخست حل کند. لنین می‌گفت: "... کسی که در عمل فراموش کند که "کونیستها از هر جنبش انقلابی پشتیبانی می‌کنند" و بدین جهت ما موظفیم وظایف دموکراتیک عمومی را در برابر تمام مردم بیان داریم و روی آنها تکیه کنیم، بی آنکه حتی برای یک لحظه معتقدات سوسیالیستی خود را پنهان داریم، سوسیال دموکرات نخواهد بود. کسی که در عمل فراموش کند که هر مسئله دموکراتیک عامی را باید پیش از دیگران طرح کند، هرچسته سازد، حل کند، سوسیال دموکرات نخواهد بود... (لنین. "چه باید کرد؟")، ترجمه فارسی، سال ۱۳۵۴، ص (۶). هر کشوری شرایط ویژه خود را دارد و مارکسیستها در تعیین اسراتژی و تاکتیک خود حتماً باید آنها را در نظر

برنامه جدید حزب مصوب کنفرانس ملی، سرنگون کردن رژیم چ. ا و ایجاد حکومت انقلابی و دموکراتیک را به مثابه وظیفه عمده در مرحله کنونی مبارزه تعیین کرده و مرحله انقلاب را ملی و دموکراتیک ارزیابی می‌کند.

ما در این مقاله خواهیم کوشید تا جوانب عدیده انقلاب ملی و دموکراتیک را که در برنامه جدید حزب بگونه‌ای فشرده ارائه شده است، مورد بررسی قرار دهیم. این بررسی از آن نظر ضرورت دارد که برخی از "نظریه پردازان" طرح برنامه حزب را قبل از تصویب نهائی آن به "نقد" کشیده‌اند و چنانکه انتظار می‌رفت ناتوانی خود را در درک مقولات اجتماعی و سیاسی ناخواسته در معرض قضاوت عام قرار داده‌اند. مثلاً، وقتی ادعا می‌کنند که رژیم چ. ا. "در تصمیم‌گیریهای سیاسی" مستقل است و از هیچ قدرتی در جهان دستور نمی‌گیرد، دانسته و یا ندانسته نشان می‌دهند که هنوز پامقولاتی از قبیل "رهائی ملی"، جنبه ملی انقلاب ملی و دموکراتیک و ارتباط دیالکتیکی آن با رهائی ملی آشنائی ندارند و هنوز درک نکرده‌اند که "استقلال سیاسی" بدون استقلال اقتصادی معنا و مفهوم ندارد و وابستگی اقتصادی نمی‌تواند به وابستگی سیاسی (بهر طریقی) منجر نگردد.

ما سعی می‌کنیم همه این مقولات را تا آنجا که ممکن است بر اساس تئوری مارکسیسم - لنینیسم تشریح کنیم.

*

همه میدانند که خصلت مبارزه خلقهای کشورهای در حال رشد علیه امپریالیسم و در راه رهائی ملی، از خصلت دوران ما جدا نیست. انقلاب‌های رهائی بخش ملی در دوران ما دارای خصلت ویژه‌ای هستند.

در اواخر سده نوزدهم آشکار شد که دوران انقلاب‌های کلاسیک بورژوازی سپری شده است. در شرایط نوینی که پیش آمده بود، وی. ای. لنین مسئله انقلاب‌های بورژوا - دموکراتیک را مطرح ساخت و انقلاب ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ روسیه نخستین نمونه آن بود. وجه مشخصه انقلاب بورژوا - دموکراتیک از انقلاب‌های کلاسیک بورژوازی در آن است که انقلاب بورژوا - دموکراتیک تحت رهبری بورژوازی لیبرال انجام نمی‌گیرد.

مثلاً، در روسیه چنان شرایطی بوجود آمد که انقلاب بورژوا - دموکراتیک تحت رهبری پرولتاریا جریان یافت. جنبشهای رهائی بخش ملی پس از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتر، صحت این نظر لنین را دو موارد عدیده به ثبوت رساندند.

در اینجا به تحلیل جنبشها و انقلاب‌های رهائی بخش ملی در کشورهای آسیا و آفریقا نیازی نیست. همه اینها دارای خصلت ضد استعماری، ضد امپریالیستی و ضد نواستعماری بوده و هستند. انقلاب ملی و دموکراتیک نیز جز انقلاب ضد امپریالیستی و رهائی بخش ملی نیست، با این فرق ماهوی که در رهبری انقلاب ملی و دموکراتیک نمایندگان بورژوازی بزرگ و حتی بورژوازی متوسط شرکت ندارند. به همین سبب در برنامه حزب توده ایران مصوب کنفرانس ملی چنین ارزیابی شده که رهبری سیاسی انقلاب با چپه متحد خلق مرکب از کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهر و روشنفکران خلقی است که اتحاد کارگران و دهقانان تهیدست استخوان بندی آنرا تشکیل می‌دهد. از اینرو، در مقایسه با جنبشهای رهائی بخش ملی، انقلاب ملی و دموکراتیک را می‌توان انقلاب "طراز نوین" نامید. زیرا در آن، توده‌های زحمتکش نقش تعیین کننده را به عهده دارند.

مارکسیستها هیچگاه نباید فراموش کنند که پس از کسب استقلال سیاسی، خصلت ضد امپریالیستی انقلاب برای مدت طولانی باقی می‌ماند. زیرا امپریالیسم در اقتصاد و سیاست و فرهنگ و نظام اداری و ارتشی و شعور انسانها در کشورهای رشد یابنده، ریشه عمیق دارد و برای قطع این ریشه‌ها نیاز به زمان و مبارزه دراز مدت است. مبارزه ضد امپریالیستی خلقها از

و در رهگذر تکامل و در رهگذر تکامل انقلاب روشن می‌شود که یک طبقه یا قشر "دمکراتیک" نمی‌خواهد یا نمی‌تواند به اندازه طبقه یا قشر دیگر دور برود و آنگاه، به هنگام تحقق هدفهای "مشترک" (اصطلاح مشترک)، برخوردهای شدیدی بر سر شیوه تحقق آنها، مثلا بر سر این یا آن درجه و وسعت و توالی مراحل آزادی و بر سر چگونگی حکومت خلق و چگونگی شیوه واگذاری زمین به دهقانان و غیره روی می‌دهد... ("همانجا").

تکیه ما روی این مسئله مهم از آن روست که دو خطر - چنانکه در گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنفرانس ملی نیز تاکید شده است - همیشه نیروهای خلقی و انقلابی را تهدید می‌کند: گرایش اپورتونیستی راست به معنی دنباله روی از بورژوازی و خیانت به منافع خلق و گرایش چپ به معنی ندادن به شرایط اجتماعی - اقتصادی و دست زدن به اقدامهای چپ روانه، مانند طرح شعارهای بلند پروازانه و کوشش بدون زمینه و شرایط عینی، برای پیش برد انقلاب سوسیالیستی.

در قطعنامه کنفرانس ملی حزب توده ایران درباره وضع جهان و ایران و وظائف حزب در مرحله کنونی گفته می‌شود: "پیش شرطها و زمینه های عینی برای سرنگون کردن رژیم در کشور ما وجود دارد. اما عدم نضج شرایط ذهنی مانع بسیج توده ها برای رویارویی با رژیم می‌شود."

این پیش شرط های عینی کدامند؟ اولاً، سران مرتجع چ. ا به علت بحران سیاسی دیگر قادر نیستند که سلطه خود را به شکل سابق اعمال کنند و مجبورند که به تشدید هر چه بیشتر ترور و اختناق بپردازند. ثانیاً، فقر و فلاکت و بدبختی طبقات ستمکش پیش از حد معمول شدت یافته است، ثالثاً، عوامل پیش گفته، سطح فعالیت توده ها را که در نتیجه بروز حالت بحرانی، به اقدام مستقل سیاسی تحریک شده اند، به تدریج بالا می‌برد.

اما این وضع به خودی خود نمی‌تواند به سرنگونی رژیم منجر گردد. به گفته لنین، برای تبدیل وضع انقلابی به انقلاب، باید به عوامل عینی، عامل ذهنی هم اضافه شود که عبارت است از استعداد و آمادگی طبقه انقلابی برای اقدامهای گسترده انقلابی، به قدر کافی نیرومند تا بتواند حکومت کهنه را سرنگون سازد. افزون بر این لازم است که همه گروههای اجتماعی ستدیده از طبقه پیشرو پستیپانی کنند (مجموعه آثار، جلد ۲۶، ص ۲۱۹).

در این زمینه وضع در کشور ما چگونه است؟ در قطعنامه کنفرانس ملی گفته می‌شود: "تنوع و ناهمگونی ساختار طبقاتی جامعه که ناشی از عقب ماندگی نظام اجتماعی - سیاسی عینی موجود است، اولاً، موجب تشکل و سازمانیابی نیروهای سیاسی متنوع گردیده، ثانیاً مانع از آن است که یک حزب یا سازمان سیاسی بتواند قدرت لازم را برای تجهیز توده های میلیونی کسب کند. ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق نیز زائیده این شرایط عینی جامعه است. کنفرانس بر آن است که در شرایط کنونی، تشکیل جبهه متحد خلق در برگیرنده طیف وسیعی از همه احزاب، سازمانها و نیروهای که به آماجهای مردمی و ضدامپریالیستی انقلاب ۲۲ بهمن پایبند و خواهان تحقق شعار "آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی" هستند - ضرورت حیاتی دارد."

برنامه جدید حزب چنین جبهه ای را متشکل از کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی می‌داند که خواهند کوشید تا لایه هائی از بورژوازی متوسط و کوچک را که در برخی از دگرگونی های ملی و دمکراتیک ذینفع هستند، بسوی خود جلب کنند. حزب توده ایران بر آن است که اتحاد کارگران و دهقانان باید استخوان بندی چنین جبهه ای را تشکیل دهد.

در شرایط مشخص تاریخی کشور ما که یک طبقه انقلابی و یک سازمان یا حزب انقلابی قادر نیست به تنهایی "حکومت کهنه" را سرنگون سازد، این حکم برنامه با اصول لنینی کاملاً مطابقت دارد. لنین می‌گفت: برای در هم شکستن طبقات فرمانروا "فقط یک وسیله وجود دارد: باید در همان جامعه ای که در آن بسر می‌بریم، چنان نیروهای را یافت و ذهنشان را روشن ساخت و برای پیکار سازمان داد که بتوانند و بحکم وضع اجتماعی خویش مجبور باشند به قدرتی که از عهده پراندان کهنه و آفرینش نو برآید، بدل گردند" (لنین، آثار منتخب در ۱۲ جلد، جلد ۱، ص ۶۸ بزبان فارسی).

ف. انگلس خاطر نشان می‌کند، دوران انقلابی که توسط اقلیت قلیلی آگاه انجام می‌گیرد که در راس توده های غیر آگاه قرار دارد، گذشته است.

بگیرند. در این مورد دو گروه از عوامل موثر را باید مد نظر قرار داد: ۱- قانونمندیهای کلی و عمده روند انقلابی مختص انقلاب ملی و دمکراتیک و مسئله گذاران آن به انقلاب اجتماعی،

۲- سنن تاریخی، ارضیه فرهنگی، ویژگیهای ملی و...

مارکسیست - لنینیستها با قاطعیت تمام با تازاندن روند انقلابی مخالفند و در این زمینه نظرات ماچراچویانه را جدا محکوم می‌کنند. به گفته لنین انقلاب از بحرانهای قوام یافته و تضادهای طبقاتی جامعه سرمایه داری که بطور عینی و صرف نظر از اراده احزاب و طبقات پدیدار می‌گردد، سرچشمه می‌گیرد. لنین می‌گفت که "انقلابها را نباید نه بنا به سفارش انجام داد و نه بنا به توافق، بلکه انقلابها وقتی انجام می‌گیرند که دهها میلیون نفر به این نتیجه برسند که نباید دیگر اینطور زندگی کرد" (مجموعه کامل آثار، جلد ۲۶، ص ۴۵۷).

در انقلاب ملی و دمکراتیک توده ها نقش تعیین کننده دارند. بنابراین مسئله نیروهای محرکه انقلاب اهمیت ویژه ای کسب می‌کند.

نیروهای محرکه انقلاب ملی و دمکراتیک

نیروهای محرکه اصلی انقلابهای ملی و دمکراتیک را توده های وسیع مردم تشکیل می‌دهند. "توده های مردم" مفهوم وسیعی دارد. مثلا در انقلاب بهمن ۵۷، "توده های مردم" در درجه اول پرولتاریای صنعتی، دهقانان تهیدست، کارمندان چزه، روشنفکران خلقی و دیگر لایه های نیمه پرولتری و غیر پرولتری را در برمی‌گرفت علاوه بر این، لایه هائی از بورژوازی متوسط و کوچک صنعتی و بورژوازی تجاری در انقلاب شرکت کردند.

بطور عمده می‌توان گفت که در انقلابهای ملی و دمکراتیک نیروهای گوناگون اجتماعی - طبقاتی به اشکال و شیوه های گوناگون شرکت می‌کنند و هر یک از آنها منافع اجتماعی و طبقاتی ویژه خود را دارند. به همین علت، مرحله نخست سیاسی آن را "مرحله همه خلقی" می‌نامند. فقط در نتیجه تداوم نبرد است که مسائل ویژه اجتماعی و طبقاتی منتهلور می‌شود و هدفها برجسته می‌گردد.

لنین در مقاله "درباره انقلاب همه ملت" نوشت که انقلاب پیروزمند فقط آن انقلابی است که "همه ملت" را فرا گیرد؛ این نخست بدان معناست که پیروزی انقلاب در گرو اتحاد اکثریت عظیم مردم برای پیکار در راه تحقق هدفهای آن است. این اکثریت عظیم یا باید فقط از یک طبقه و یا از طبقات گوناگونی که چند هدف مشترک دارند تشکیل شوند.

لنین خاطر نشان می‌کرد که مفهوم "انقلاب همه ملت" باید یک مارکسیست را به ضرورت تحلیل دقیق منافع گوناگون طبقات گوناگونی که بر سر چند هدف مشترک، مشخص و محدود با هم توافق دارند، راهنمائی کند. برنامه جدید حزب توده ایران نیز در تشریح آرایش طبقاتی که مادر این مقاله از آن یاد خواهیم کرد، نیروهای محرکه انقلاب را بطور مشخص مورد بررسی قرار داده و هدفهای مشخص آنها را نیز روشن کرده است.

بر واضح است که مفهوم "انقلاب همه ملت" نمی‌تواند و نباید اهمیت بررسی مبارزه طبقاتی در جریان انقلاب را، نادیده بگیرد. این امر معنای جز عدول از مارکسیسم ندارد.

لنین یاد آور می‌شد که همروند با پیشرفت انقلاب، مناسبات میان طبقات تغییر می‌کند. تجربه انقلاب بهمن ۵۷ صحت و اصالت این اصل لنینی را بار دیگر به صراحت نشان داد. لنین در مقاله نامبرده نوشت: "معنای هر پیشرفت واقعی انقلاب چنین است. روی آوری گسترده تر توده ها به جنبش و در نتیجه دستیابی به آگاهی بیشتر نسبت به منافع طبقاتی شان و بر این اساس آشکارتر شدن بیشتر مواضع گروه بندیهای سیاسی و حزبی و دقیق تر شدن سیمای طبقاتی احزاب گوناگون و بدینسان تغییر بیش از پیش خواستهای سیاسی و اقتصادی کلی و تجربی که به سبب همین تجربی بودن، مهم و تاریک مانده بودند و تبدیل آنها به خواستهای گوناگون مشخص و دقیق طبقات گوناگون" (لنین، مجموعه آثار، ص ۲۶۴-۲۶۶).

شعار عمده ما در مرحله کنونی عبارت است از آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی. مفهوم مشخص این شعار و اجزا گوناگون آن، در جریان مبارزه و با برداشتن گامهای عملی در راه تحقق هر یک از آنها، پرتوده های مردم و بر طبقات روشن خواهد شد. در این رهگذر، به تصریح لنین، ورطه عمیقی میان منافع طبقات گوناگونی که با اتکا به این شعار خواستار انجام اقدامهای اقتصادی و سیاسی گوناگون هستند، آشکار می‌شود. "فقط در جریان مبارزه

هر جا که سخن بر سر نوسازی کامل نظام اجتماعی است، توده‌ها خودشان باید در آن شرکت ورزند و خودشان باید دریابند که برای چه مبارزه می‌کنند و برای چه خون می‌ریزند و جانشان را فدا می‌کنند. برای این نیز کار طولانی و سرسخانه ضرور است (مراجعه شود به ک. مارکس و ف. انگلس، مجموعه آثار، جلد ۲۲، ص ۵۲۹، ۵۴۴).

به همین سبب در گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنفرانس ملی تصریح می‌شود که "وظیفه عمده حزب ما، به مثابه حزب طراز نوین طبقه کارگر، همیشه عبارت است از سازماندهی و تجهیز زحمتکشان و رهبری مبارزه طبقاتی آنان. زیرا فقط در روند این مبارزه است که حزب می‌تواند با گذار از مراحل معین انقلاب، به هدف نهائی خود، یعنی دستیابی طبقه کارگر و متحدان آن به قدرت سیاسی و ایجاد جامعه فارغ از بهره‌کشی انسان از انسان، جامعه عمل پیشاند.".

حزب ما بر آن است که در دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، تداوم انقلاب ملی و دمکراتیک پس از طی مراحل معین، در آخرین تحلیل جز گذار به سوسیالیسم نخواهد بود. گذار به سوسیالیسم نیز تحت رهبری حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر امکان پذیر است.

در برنامه جدید حزب در این باره گفته می‌شود که تداوم پیگیری نهائی انقلاب ملی و دمکراتیک در گرو اعمال رهبری حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر است. برای تأمین هژمونی حزب واحد پیشاهنگ طبقه کارگر، وحدت طبقه کارگر و همه رزمندگان راه طبقه کارگر و بسیج همه قشرهای زحمتکش جامعه ضرورت دارد. کنفرانس ملی حزب توده ایران به ضرورت اتحاد سازمانی همه پیروان راستین سوسیالیسم علمی در یک حزب واحد اهمیت فوق العاده‌ای داد و اعلام کرد که در چنین صورتی اتحاد این نیروها هسته مرکزی جبهه‌ای را تشکیل خواهند داد که تداوم انقلاب ملی و دمکراتیک را تضمین خواهد کرد.

در جوامعی مشابه جامعه ما، مارکسیست - لنینیست‌ها، باید در برخورد با انقلاب ملی و دمکراتیک، هم از پرهیز دادن چپ گرایانه به نقش طبقه کارگر و هم از پیروی از تئوهای نیهیلیستی ایدئولوگهای خرده بورژوازی که نهضت کارگری را تنها در چارچوب تنگ منافع طبقاتی و منافع ملی ارزیابی می‌کنند، پرهیز باشند.

طبقه کارگر میهن ما که در عین حال هم علیه استثمارگران داخلی و هم علیه سرمایه انحصاری خارجی مبارزه می‌کند، با مسائل دشواری روبرو است. وجود رژیم ترور و اختلاف در کشور سد بزرگ شکل کارگران در اتحادیه‌های کارگری و سندیکاها است و در عین حال مانع آن است که کارگران پیشرو بتوانند در حزب واحد پیشاهنگ خود گرد آیند. سازماندهی طبقه کارگر و مبارزه در راه بالا بردن فرهنگ سیاسی این طبقه، به قصد پی بردن به رسالت تاریخی خویش و وظیفه عاجل پیروان واقعی سوسیالیسم علمی است.

پرولتاریای صنعتی ایران با وجود نقش تعیین کننده‌ای که در پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ به عهده داشت، نتوانست رهبری سیاسی را قبضه کند. این تجربه تلخی است که ما پشت سر داریم. بدون اینکه به علل و عوامل زاینده این امر بپردازیم، باید متذکر شویم که شرایط امروز با سال‌های ۵۶ و ۵۷ فرق دارد. اگر پیروان واقعی سوسیالیسم علمی بتوانند متحدا عمل کنند، بدون تردید موفق خواهند شد از نیروی لایزال طبقه کارگر به وجه احسن بهره بگیرند. زیرا امروز نیز مانند گذشته طبقه کارگر و در وهله نخست پرولتاریای صنعتی، پیگیرترین و عمده ترین نیروی مبارز در راه تحقق آماج‌های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب ملی و دمکراتیک است که می‌تواند تا پیروزی نهائی در مقابل ضد انقلاب ایستادگی کند.

از آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که هژمونی طبقه کارگر رانمی‌توان با اعلام شعار سیاسی، آنها روی کاغذ، تأمین کرد. برای دستیابی به این آماج، مبارزه متحد و جهت دار سیاسی همه مبارزان راه طبقه کارگر، ضرورت دارد.

نیروی عظیم طبقه کارگر طی مبارزه در راه تداوم انقلاب ملی و دمکراتیک تجلی پیدا می‌کند. در این مبارزه است که طبقه کارگر هم به نقش و رسالت تاریخی خود پی خواهد برد و هم با دفاع از منافع ویژه دیگر زحمتکشان به مثابه رهبر و سرکرده جنبش مورد پذیرش قرار خواهد گرفت.

اما این امر به هیچ وجه به معنی آن نیست که مادر انتظار چنین روزی، ضرورت اتحاد نیروها در جبهه متحد خلق را بدست فراموشی سپاریم و یا به آن کم بهاء دهیم. سیاست ما باید بر پایه محاسبه هشیارانه و کاملاً عینی چگونگی وضعیت تمام نیروهای طبقاتی کشور، استوار باشد. ما نباید آبی این وصیت لنین را از نظر دور بداریم که "پیروزی بردشمن زورمندتر از خویش تنها در صورتی میسر خواهد بود که حد اعلا ی نیرو به کار رود و (باید) از هر "شکافی" میان دشمنان، هر اندازه هم که کوچک باشد، و از هر تضاد منافع میان بورژوازی کشورهای مختلف و میان گروه‌ها یا انواع مختلف بورژوازی کشورهای مختلف و میان گروه‌ها یا انواع مختلف بورژوازی درون هر یک از کشورها و نیز از هر امکانی، هر اندازه هم کوچک باشد، برای بدست آوردن متحد توده‌ای، حتی متحد موقت، مردد، ناپایدار، مشکوک و مشروط حتماً و با نهایت دقت، ملاحظت، احتیاط و مهارت استفاده شود. کسی که این نکته را نفهمیده باشد، هیچ چیز از مارکسیسم و بطور کلی از سوسیالیسم علمی معاصر نفهمیده است." به گفته لنین کسی که توانائی خود را در زمینه کاربرد این حقیقت در اوضاع و احوال سیاسی گوناگون در عرصه عمل به ثبوت نرسانده باشد، "شیوه کمبک به مبارزه طبقه انقلابی در راه رهائی تمام جامعه بشری زحمتکش از چنگ استثمارگران را، هنوز نیاموخته است. ضمناً این مطلب، هم برای دوران پیش از تصرف قدرت سیاسی بدست پرولتاریا صادق است و هم برای دوران پس از تصرف این قدرت" (مراجعه شود به "مارکس، انگلس، لنین درباره انقلاب اجتماعی، بزبان فایبی، ص ۱۱۰-۱۱۱).

لنین در اثبات این اصل مهم به وضع پرولتاریا در کشورهای سرمایه‌لاری استناد می‌کرد و خاطر نشان می‌ساخت که اگر پرولتاریای "ناب" در میان انبوهی از لایه‌های اجتماعی سیال و گوناگون - از پرولتار گرفته تا نیمه پرولتار، از نیمه پرولتار گرفته تا دهقانان خرده پا و بیسهمه و افزارمند خرده پا و از دهقان خرده پا گرفته تا دهقان میانه حال و غیره محصور نبود و اگر در درون خود پرولتاریا تقسیم بندی مائی از لایه‌های رشد یافته تر و کم رشدتر، تقسیم بندی های مرکب از افراد هم ولایتی و هم حرفه و گاه هم دین و غیره وجود نمی‌داشت - سرمایه‌داری هم سرمایه‌داری نمی‌بود و مسئله اتحادها هم برای پیشاهنگ پرولتاریا و بخش آگاه آن، ضرورت و آنهم ضرورت بی چون و چرا و مطلق کسب نمی‌کرد (همانجا، ص ۱۱۱).

واقعیت جامعه ما نیز آنچنان است که لنین تصویر کرده و کنفرانس ملی در تدوین برنامه حزب، این اصول لنینی را مورد نظر قرار داده است. در اسناد و مدارک مصوب کنفرانس ملی، به کار در میان دهقانان نیز اهمیت خاصی داده شده است. دهقانان به مثابه متحدان طبقه کارگر، از جمله نیروهای محرکه اصلی انقلاب ملی و دمکراتیک بشمار می‌روند. دهقانان که تقریباً نیمی از جمعیت کشور ما را تشکیل می‌دهند، به علت وضع اقتصادی و اجتماعی خود نمی‌توانند به تنهایی به عنوان رهبر سیاسی عرض اندام کنند. در عین توجه به نیروی بالقوه دهقانان، نباید از نظر دور داشت که آنها دارای خصلت دوگانه هستند و درجالی که در مبارزه علیه زمینداران بزرگ فعالانه شرکت می‌کنند، در سیاست، یعنی در مبارزه طبقاتی، پیگیری لازم را ندارند. ضرورت کار گسترده در میان دهقانان تهیدست نیز از اینجا نشأت می‌گیرد.

در برنامه حزب از جمله از روشنفکران خلقی به مثابه یکی از نیروهای محرکه انقلاب نام برده شده است. روشنفکران دارای ترکیب بغرنجی هستند. آنها که بطور عمده از لحاظ اقتصادی وابسته‌اند، طبعاً نمی‌توانند از لحاظ سیاسی استقلال داشته باشند. به همین علت روشنفکران در فعالیت عملی خود اکثراً بیانگر مواضع نیروهای سیاسی مختلف و اغلب متضاد هستند. در کشور ما بخشی از روشنفکران در زمره بورژوازی بوروکراتیک هستند که معمولاً در خدمت رژیم ارتجاعی قرار می‌گیرند. بخشی دیگر از روشنفکران به علت پایگاه اجتماعی خود در پیوند نزدیک با بورژوازی هستند. گروهی از روشنفکران در زمره انقلابیون دمکراتیک قرار دارند و بخش به نسبت قابل ملاحظه‌ای از آنان نیز پیرو سوسیالیسم علمی هستند و در راه تأمین منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان مبارزه می‌کنند. این دو بخش اخیر دارای موضع پیگیر ضد امپریالیستی و خواهان ایجاد دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه پسود توده‌های میلیونی رنجبران هستند.

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به

سازمان آزادیبخش فلسطین

رزمندگان سازمان آزادی بخش خلق فلسطین!

کنفرانس ملی حزب توده ایران خالصانه ترین دروفا را نثاران کرده و برای پیروزی راهتان که تجلی گاه آرمانهای خلقهای عرب فلسطین است، تمنیات قلبی خود را ابراز می‌دارد.

کنفرانس ملی حزب توده ایران یک رخداد بزرگ و بهجایماندن در تاریخ حزب ما به شمار می‌رود. این کنفرانس در شرایطی برگزار می‌شود که رژیم خودکامه جمهوری اسلامی از مدتها پیش برای رسیدن به هدفهای ضدانسانی خود، راه خیانت به آرمانهای خلقی و ضد امپریالیستی انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۸) ایران را در پیش گرفته است.

سران جمهوری اسلامی برای دستیابی به هدفهای ضد بشری خود از هیچ جنایتی رویگردان نیستند. آنها آتش جنگ خانمانسوز بین ایران و عراق را که اکنون بیش از ۶ سال از آغاز آن می‌گذرد، هر روز شعله ورتر می‌کنند، جنگی که طی آن صدها هزار تن از مردم بیگناه کشته یا زخمی شده‌اند. در نتیجه جنگ خسارت‌های مادی فراوانی به مردم هر دو کشور وارد شده و سبب تقویت مواضع ارتجاع و حضور نظامی امپریالیسم در منطقه گردیده است. رژیم جمهوری اسلامی سازمانهای مترقی و انقلابی میهنان را آماج ددمنشانه ترین یورش‌های سرکوبگرانه قرارداد و در اوایل سال ۱۹۸۲ به قصد نابودی حزب توده‌ای ما، که قاطع ترین مدافع منافع کارگران و زحمتکشان ایران است، توطئه وسیعی را تدارک دید. در اجرای این توطئه هزاران تن از بهترین فرزندان خلق زندانی و شکنجه گردیده و گروهی از رفقای قهرمان ما به چوخته اعدام سپرده شده و یا زیر شکنجه به شهادت رسیدند، اما خواست پلید "ناپودی" حزب توده‌ها هیچگاه تحقق نیافت. حزب توده ایران پاییز سال ۱۳۶۲ با تشکیل پلنوم خود بر این توهمات رژیم خط بطلان کشید.

اکنون نیز که بیش از دو سال از آن تاریخ می‌گذرد، حزب ما با تشکیل کنفرانس ملی خود یکبار دیگر صلابت و قدرت رزمندگی خود را به نمایش می‌گذارد.

همسنگران عزیز!

حزب توده ایران همواره از حقوق حقه خلق فلسطین و از تنها نماینده برحق آن، سازمان آزادی بخش فلسطین، دفاع نموده است.

ما بر این امر واقفیم که امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای نابودی انقلاب فلسطین از هیچگونه جنایتی دریغ نمی‌ورزد. اقدامهای چنایتکارانه اسرائیل غاصب که دستیار شماره یک آمریکا در منطقه به شمار می‌آید، بی هیچ تردیدی از نظر بشریت ترقی خواه و صلح دوست محکوم است. ما که همواره از پشتیبانی بیدریغ شما از مبارزه مردم خود برخوردار بوده‌ایم بر این همبستگی برادرانه ارج نهاده و در راه استواری و مداومت آن می‌کوشیم.

چا دارد که یکبار دیگر ضمن نثار دروهای گرم، پشتیبانی حزب توده ایران و مردم ایران را از نبرد بی امانتان در راه امر مقدسی که در پیش دارید، اعلام داریم.

- زنده باد انقلاب فلسطین

- برقرار و پرتوان باد سازمان آزادی بخش فلسطین، تنها نماینده برحق خلق‌های عرب فلسطین!

- هرچه استوارتر باد همبستگی برادرانه سازمان آزادی بخش فلسطین و حزب توده ایران!

کنفرانس ملی حزب توده ایران

حضور در محل قتل و دفن اولف پالعه، نخست وزیر سوسیال دمکرات سوئد که در ۲۸ فوریه سال جاری بقتل رسید، دسته‌های گل نثار کردند و از مبارزه وی برای صلح و همزیستی مسالمت آمیز تجلیل به عمل آوردند.

پیرامون برنامه نوین حزب * * *

خرده بورژوازی سنتی در جامعه ما از لحاظ کمیت در مرحله پس از دهقانان قرار دارد در کلیه جنبش‌های معاصر کشور، از انقلاب مشروطه گرفته تا نهضت ملی کردن نفت و انقلاب بهمن ۵۷، نقش مهمی ایفا کرده است. تصادفی نیست که کنفرانس ملی حزب توده ایران کار مستمر در میان این قشر از جامعه را یکی از وظایف حزب در شرایط کنونی تعیین کرده است. لنین می‌گفت، خرده بورژوازی سنتی ناگزیر میان بورژوازی و پرولتاریا، میان رفرمیسم و مشی انقلابی، میان کارگر دوستی و ترس از دیکتاتوری پرولتاریائی و غیره نوسان می‌کند. تاکتیک صحیح کمونیست‌ها باید برپایه استفاده از این نوسان‌ها استوار باشد، نه این که آن را نادیده انگارد. و اما چنین استفاده‌ای مستلزم آن است که ما در قبال عناصری که به سوی پرولتاریا روی می‌آورند، در آن لحظه و در آن حدودی که روی آورده‌اند گذشت‌هایی قائل شویم و همزمان با آن علیه عناصری که به سوی بورژوازی روی می‌آورند، به مبارزه برخیزیم... (همانجا، ص ۱۱۲).

تجربه انقلاب بهمن ۵۷ و رویدادهای پس از پیروزی انقلاب نشان داد که خرده بورژوازی سنتی در کشور ما به دو گروه محافظه کار و رادیکال تقسیم شد. اگر خرده بورژوازی محافظه کار از ترس تداوم انقلاب به بورژوازی پیوست، خرده بورژوازی رادیکال هنوز هم توانسته است که موضع مستقل خود را حفظ کند. این لایه از خرده بورژوازی می‌تواند در انقلاب ملی و دمکراتیک به متحد طبقه کارگر مبدل گردد.

باید خاطر نشان ساخت که لایه‌هایی از طبقه کارگر به آسانی می‌تواند تحت تاثیر خرده بورژوازی قرار گیرند. وظیفه مارکسیست‌هاست که با این پدیده مبارزه کنند. پدیده‌ای است که منظور از مبارزه به هیچ وجه روی در روی قرار دادن طبقه کارگر با خرده بورژوازی متفق طبقه کارگر نیست. هدف کمونیست‌ها حفظ استقلال عقیدتی-سیاسی طبقه کارگر است که این نیز با بردن آگاهی سوسیالیستی به درون طبقه امکان پذیر است.

در برنامه جدید حزب گفته می‌شود که چپه متحد خلق می‌باید در جلب لایه‌هایی از بورژوازی متوسط و کوچک پکوشد. در برنامه حزب، در عین حال گفته می‌شود که بورژوازی به طور کلی فاقد توان انقلابی است. در جریان مبارزه در راه تداوم انقلاب ملی و دمکراتیک، این قشر از بورژوازی به علت مقاومتی که به مثابه استثمارگر از خود نشان خواهد داد، طبعاً خوبشتر را از چپه کنار کنار خواهد کشید. وظیفه نیروهای انقلابی است که از تاثیر این قشر بر دولت انقلابی ملی و دمکراتیک ممانعت بعمل آورند. چنین است ترکیب نیروهای محرکه انقلاب ملی و دمکراتیک، که کنفرانس ملی حزب توده ایران مورد بررسی قرار داد و باز تاب آن را می‌توان در اسناد و مدارک مصوب کنفرانس دید.

درسی و پنجمین کنگره * * *

صهیونیسم و همکاری میان نیروهای ترقی خواه خاور میانه تاکید شد. کنگره اتحادیه جوانان کمونیست سوئد همبستگی عمیق خود را با مبارزه خلق‌های جهان، از جمله مبارزه مردم ایران علیه ارتجاع حاکم، اعلام داشت.

نمایندگان سازمان جوانان توده ایران در ملاقات‌های جداگانه با هیئت‌های نمایندگی جوانان سوسیالیست و کمونیست شرکت کننده در این کنگره، از جمله "جوانان کمونیست شیلی"، "جوانان کمونیست نروژ"، "جوانان کمونیست هندوراس"، "جوانان سوسیالیست چپ دانمارک"، نماینده "سازمان آزادی بخش فلسطین"، "نماینده "سوپر" ، "جوانان کمونیست اتحاد شوروی"، "جوانان کمونیست دانمارک"، "جوانان سوسیالیست شیلی به تشریح اوضاع ایران پرداخت. نماینده "اتحادیه جوانان کمونیست" (سوئد) در ملاقات با نمایندگان سازمان جوانان توده ایران همبستگی جوانان کمونیست و مترقی سوئد را با مبارزه مردم و جوانان ایران علیه رژیم قرون وسطانی اعلام داشت.

هیئت‌های نمایندگی جوانان کمونیست و سوسیالیست مهمان در کنگره با

گامی تازه بسوی فاجعه هسته‌ای

چندی پیش ریگان رئیس جمهور آمریکا قصد دولت این کشور را مبنی بر عدم رعایت بعدی قرار داد سالت - ۲ میان اتحاد شوروی و آمریکا، مربوطه محدود بودن تعداد جنگ افزارهای استراتژیک دو طرف، رسا اعلام کرد. بیامد چنین تصمیم ناپه‌خردانه‌ای بجز دامن زدن به یک مسابقه خطرناک و غیرقابل کنترل تسلیحاتی چیز دیگری نمی‌تواند باشد. از اینرو نه تنها بشریت صلح دوست و مترقی بانک اعتراض شدید خود را نسبت به این ویرانگری تازه در امر صلح و امنیت بین المللی بلند کرده است بلکه حتی متحدان نزدیک ریگان در پیمان امپریالیستی ناتو و از جمله دولت های انگلستان و آلمان غربی هم نگرانی عمیق خود را پنهان نمی‌کنند. در خود ایالات متحده آمریکا نیز واکنش مردم و محافل اجتماعی و سیاسی بسیار گسترده است. حتی سناتورها و نمایندگان کنگره آمریکا در کنفرانس های مطبوعاتی و طی نامه هایی که برای کاخ ریاست جمهوری ارسال می‌کنند منافی بودن این قصد دیوانه وار را با منافع واقعی مردم آمریکا ابراز می‌دارند.

قصد نادیده گرفتن قرارداد سالت - ۲ تنها گوشه‌ای از سیاست ماجراجویانه و خطرناک دولت کنونی آمریکا را آشکار می‌کند. ادامه آزمایش های هسته‌ای زیرزمینی در صحرائ نوادا که تاکنون جهانیان شاهد ششمین آن در سال جاری ۱۹۸۶ و سیزدهمین آن پس از اعلام خودداری یکجانبه اتحاد شوروی بودند، تهیه سلاح های تازه شیمیایی و باکتریولوژیک، دامن زدن به آتش درگیری های منطقه‌ای و پیگیری تجاوز و تحریک و ایجاد کانون های درگیری تازه در خاور نزدیک و میانه، امریکای مرکزی، جنوب افریقا و غیره، همه و همه مقاصد واقعی امپریالیسم هار و متجاوز امریکای را نشان می‌دهد.

پیگمان در این سال های پایانی سده بیستم، دورنمای ادامه سیاست غارت خلق ها تیره و تارتر از هر زمان دیگری خواهد شد. اگر در قرن های گذشته بر اساس سرکوب خیزش خلق های زیر ستم، اعزام کشتی های توپدار برای تضمین تسلط استعماری و امپریالیستی کافی بود، امروزه حتی فرستادن ناوهای هواپیمابر و وارد آوردن مهلک ترین و چنایتکارانه ترین ضربات بر کشورهای استقلال طلب هم دیگر نتایج مطلوب را به بار نمی‌آورد. یکانه راهی که امپریالیسم میرنده و نومید در برابر خود باز می‌بیند همانا تجاوز آشکار به خلق های کوچک مانند اشغال چنایتکارانه جزیره کوچک کرانادا که داغ ننگ و رسوایی اهدی را بر پیشانی

امپریالیسم آمریکا گذاشت و همچنین تدارک فاجعه ناپه‌دکننده هسته‌ایست. امپریالیسم متجاوز آمریکا جهانی را می‌خواهد که به کام او بگردد و اگر چنین نباشد حاضر است کاری بکند تا نگردهد. اگر مردم دنیا حاضر نباشند همچنان آرام منابع و ثروت های طبیعی خود را در اختیار امپریالیسم آمریکا بگذارند و یوغ بردگی و اطاعت را از خواسته های نواستعماری او را به گردن نهند باید خود را برای ناپه‌دشدن در چنگ های هسته‌ای و شیمیایی آماده کنند.

چنین سیاستی البته فقط می‌تواند مورد قبول خودپسندانی نظیر پرزیدنت ریگان و امثالهم باشد. بدین جهت اکثریت مطلق مردم جهان، چه در کشورهای سوسیالیستی و چه در کشورهای سرمایه‌داری با این سیاست بیمارگونه و ضد بشری مخالفند و تمام کوشش خود را برای لگام زدن به این دولتمردان افسار گسیخته بکار می‌برند.

سیاست صلح جویانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی سهم بزرگی در پی آبرو کردن منافذیان جنگ و تجاوز ایفا می‌کند. مرا توریوم اتحاد شوروی پیرامون آزمایش هسته‌ای که برای سومین بار تا تابستان سال جاری - سالروز انفجار نخستین بمب اتمی امریکاری شهر بی دفاع هیروشیما تمدید شده است - نیرو و توان تازه‌ای به مبارزان راه صلح می‌بخشد و امپریالیسم آمریکا را پیوسته بیشتر در تنگنا می‌گذارد. امپریالیسم آمریکا خود نیز این موضع ضعیفش را درک می‌کند و می‌کوشد با مانورهای مختلف مردم جهان را بفریبد.

در پاسخ به اعتراضاتی که علیه قصد آمریکا مبنی بر نادیده گرفتن پیمان سالت - ۲ برپا شده است، سران دولت آمریکا دستیارانشان در اروپای غربی از یکسومدعی می‌شوند که گویا دولت اتحاد شوروی قرارداد سالت - ۲ را زیرپا گذاشته است و از سوی دیگر می‌گویند که این قرارداد دیگر کهنه شده و پاسخگوی شرایط تازه نیست. خود مبتکران این دروغ بهتر از همه به بی پایه بودن ادعایشان واقفند ولی ترجیح می‌دهند به هر خس و خاشاکی جنگ بزنند تا مقاصد ماجراجویانه و نواستعماری خود را توجیه کنند. اگر واقعا سران دولت آمریکا معتقد شده‌اند که قرارداد سالت - ۲ دیگر پاسخگوی شرایط جدید نیست آیا منطقی تر نمی‌بود که بدون نادیده گرفتن قرارداد قبلی مذاکره برای انعقاد یک پیمان تازه و آغاز کنند و پیشنهادهای نوین خود را در میان بگذارند؟

بدون تردید امپریالیسم آمریکا هیچگاه نخواهد توانست تعادل نظامی پیدا شده در جهان کنونی میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای امپریالیستی را بسود خود دگرگون کند ولی برقرار شدن این تعادل در سطحی بالاتر و غیرقابل کنترل تر، صلح و امنیت جهان را بسیار شکننده تر خواهد کرد.

کمکهای مالی رسیده:

- ر. ژامی ۱۰۰۰ مارک
- ر. مزدک ۱۵۰ دلار
- چ. ک. سانفرانسیسکو ۱۰۰ دلار
- ۸ مارس، نیویورک ۱۰۰ دلار
- انوشه ۲۰۰ دلار
- جنوب آمریکا ۱۴۷ دلار
- ک. م. ۱۰ دلار
- پ. افضلی ۸۰ دلار
- بهرام ۸۰ دلار
- پری کهن ۲۵ دلار
- رفقای جنوب ۱۵۷ دلار

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

اسم من با یک است و تا دو ماه دیگر به دیستان می‌روم و چون خواندن و نوشتن را یاد گرفته‌ام، خاله مری و عموا مین و پدرو مادرم هزار تومان به من چایزه داده اند که من آن را به حزب قهرمان توده ایران می‌دهم تا با آن باخشی بی‌دینس جنگل و به بچه‌هایی که پدر و مادرشان را از دست داده اند کمک کند.

- زنده باد حزب قهرمان توده ایران -
- جاوید باد صلح و آزادی -
- نابود باد جنگ - مرگ بر امپریالیسم -

«آینده»

ارگان مرکزی سازمان جوانان توده ایران منتشر شد

"آینده" فعلا هر دو ماه یکبار به منظور بسیج جوانان مبارز کشورمان و در راستای سازمان دادن رزم آنها انتشار می‌یابد. "آینده" همکاری کنید و آن را هرچه وسیع تر به میان جوانان زحمتکش، دانشجویان و دانش آموزان بپسندید!

NAMEH MARDOM
No : 109

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است

3, July, 1986